

دوفصلنامه بین المللی تحقیقات حقوق قضایی

License Number: ۸۶۲۲۷ Article Number: ۷۶N11sh۲۵۳۶۶۲ ISSN-P: ۲۷۱۷-۱۱۳۲

تحلیل و بررسی چالش‌های عضو سازمان ملل در امور

آب‌های مشترک

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۲/۱۷، تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۰۵/۲۶)

دکتر یزدان گلستانی^۱

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل

یحیی پیری

کارشناسی ارشد جزا و جرم شناسی

چکیده

آب‌های مشترک بین‌المللی به‌عنوان منابع حیاتی برای توسعه پایدار و امنیت کشورهای همجوار، چالش‌های متعددی در حوزه حقوق، سیاست و مدیریت ایجاد کرده‌اند. این مقاله با بررسی چارچوب‌های حقوقی بین‌المللی، به ویژه کنوانسیون سازمان ملل ۱۹۹۷، و تحلیل چالش‌های سیاسی، زیست‌محیطی و مدیریتی، راهکارهای مؤثر برای تسهیل همکاری‌های بین‌دولتی در مدیریت پایدار آب‌های مشترک را ارائه می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که تقویت دیپلماسی آب، ایجاد سازوکارهای حل اختلاف و ارتقای همکاری‌های چندجانبه، کلید پیشبرد همکاری‌های پایدار و کاهش تنش‌های آبی خواهد بود. این مطالعه با تأکید بر نقش سازمان ملل متحد و حقوق بین‌الملل، چشم‌اندازی عملی برای مدیریت بهینه منابع آب فرامرزی ارائه می‌کند.

واژگان کلیدی: منابع آبی مشترک، حقوق بین‌الملل آب، بهره‌برداری معقول و منصفانه،

کنوانسیون سازمان ملل ۱۹۹۷، دیپلماسی آب، اختلافات بین‌المللی، همکاری چندجانبه

^۱ نویسنده مسئول

مقدمه

آب‌های مشترک بین کشورها، به ویژه رودخانه‌ها و آبخوان‌های فرامرزی، نقش حیاتی و چندوجهی در تأمین نیازهای آبی، توسعه اقتصادی پایدار و حفظ امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا می‌کنند. بیش از ۴۵ درصد از جمعیت جهان به منابع آب‌های فرامرزی وابسته‌اند و بیش از ۱۵۰ کشور در حوضه‌های آبریز مشترک قرار دارند، که این امر اهمیت مدیریت مشترک این منابع را دوچندان می‌کند. با افزایش جمعیت، رشد صنایع و تغییرات اقلیمی، فشار بر این منابع محدود به طور فزاینده‌ای افزایش یافته است؛ به طوری که سازمان ملل هشدار داده است که تا سال ۲۰۵۰، بیش از نیمی از جمعیت جهان با کمبود شدید آب مواجه خواهند شد. این فشارها موجب بروز تنش‌ها و اختلافات جدی بین دولت‌های عضو سازمان ملل شده است. بهره‌برداری ناعادلانه، آلودگی ناشی از فعالیت‌های صنعتی و کشاورزی، و تغییرات اقلیمی که باعث کاهش میزان روان‌آب‌ها و خشک شدن رودخانه‌ها و دریاچه‌ها شده است، از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی این کشورهاست. نمونه‌هایی مانند بحران آب در حوضه رودخانه‌های فرات و دجله، یا خشک شدن دریاچه ارومیه، نشان‌دهنده پیچیدگی و اهمیت موضوع است. در این میان، حقوق بین‌الملل آب (International Water Law) و نهادهای بین‌المللی، به ویژه سازمان ملل متحد، نقش کلیدی در تدوین چارچوب‌های قانونی و تسهیل همکاری‌های چندجانبه دارند. کنوانسیون سازمان ملل در سال ۱۹۹۷ برای استفاده عادلانه و مسئولانه از منابع آب‌های فرامرزی، نمونه‌ای از تلاش‌های بین‌المللی برای کاهش تنش‌ها و ارتقای مدیریت پایدار است. هدف این مقاله، بررسی چالش‌های حقوقی، سیاسی و محیط‌زیستی دولت‌های عضو سازمان ملل در مدیریت آب‌های مشترک و ارائه راهکارهای موثر برای همکاری پایدار و مدیریت بهینه این منابع حیاتی است. امید است با تحلیل دقیق این مسائل، بتوان گام‌های موثری در جهت حفظ امنیت آبی و توسعه پایدار برداشته شود.

بخش اول: مروری بر ادبیات و پیشینه تحقیق

آب‌های مشترک به عنوان منابعی که مرزهای سیاسی را نمی‌شناسند، از دیرباز محل مناقشات و همکاری‌های بین‌المللی بوده‌اند. کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق بهره‌برداری از آبراهه‌های بین‌المللی (۱۹۹۷) مهم‌ترین سند حقوقی است که اصول بهره‌برداری معقول و منصفانه و منع آسیب مهم را تدوین کرده است. علاوه بر آن، معاهدات منطقه‌ای و اسناد حقوقی مانند کنوانسیون هلسینکی و پیمان‌های دو یا چندجانبه، چارچوب‌های حمایتی برای حفاظت و مدیریت آب‌های مشترک فراهم کرده‌اند. تغییرات اقلیمی به عنوان عاملی تشدیدکننده بحران‌های آبی، توجه سازمان ملل را به تدوین راهبردهای تثبیت و سازگاری جلب کرده است. روش‌شناسی این پژوهش با استفاده از روش تحلیل اسنادی و مطالعه موردی، به بررسی اسناد حقوقی بین‌المللی، گزارش‌های سازمان ملل، مقالات علمی و نمونه‌های منطقه‌ای پرداخته است. منابع داده‌ها شامل کنوانسیون‌ها، گزارش‌های UN-Water و یونسکو و مقالات تخصصی درباره چالش‌های آب‌های مشترک است. تحلیل داده‌ها به شناسایی چالش‌ها و ارائه راهکارهای عملی کمک کرده است.

بخش دوم: تحلیل چالش‌ها

(۱) چالش‌های حقوقی

یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین چالش‌ها در مدیریت آب‌های مشترک، مسائل حقوقی است که ناشی از تعارض میان حاکمیت مطلق دولت‌ها و اصول حقوق بین‌الملل در بهره‌برداری از منابع آبی مشترک است. در حقوق بین‌الملل، کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره حقوق بهره‌برداری‌های غیرکشتیرانی از آبراهه‌های بین‌المللی (۱۹۹۷) اصول مهمی مانند «بهره‌برداری معقول و منصفانه» و «اصل منع آسیب مهم» را مطرح کرده است که هدف آن‌ها تضمین استفاده پایدار و عادلانه از منابع آب است. با این حال، اجرای این اصول در عمل با چالش‌های متعددی روبرو است: ابهام در تعریف و تفسیر اصول حقوقی؛ اصول بهره‌برداری معقول و منصفانه و منع آسیب مهم، هرچند در اسناد بین‌المللی پذیرفته

شده‌اند، اما به دلیل کلی بودن تعاریف، در موارد خاص تفسیرهای متفاوتی از سوی دولت‌ها ارائه می‌شود که به اختلافات حقوقی دامن می‌زند. حاکمیت مطلق دولت‌ها بر منابع آب در قلمرو خود: برخی دولت‌ها بر اساس حاکمیت سرزمینی خود، اقدام به بهره‌برداری یکجانبه از منابع آب مشترک می‌کنند بدون آنکه حقوق سایر کشورها را در نظر بگیرند. این موضوع برخلاف قواعد بین‌المللی است که تأکید بر همکاری و رعایت حقوق همه کشورهای واقع در حوضه آبریز دارد. فقدان قوانین الزام‌آور و ضمانت اجرا: بسیاری از معاهدات و کنوانسیون‌ها، از جمله کنوانسیون ۱۹۹۷، تا زمانی که تعداد مشخصی از کشورها آن را تصویب نکنند لازم‌الاجرا نمی‌شوند. همچنین، سازوکارهای اجرایی و حل اختلاف قوی و الزام‌آور در سطح بین‌المللی به اندازه کافی وجود ندارد که این مسأله باعث تداوم اختلافات می‌شود. چالش‌های مربوط به انتقال میان حوضه‌ای آب: انتقال آب از یک حوضه آبریز به حوضه‌ای دیگر، که در برخی کشورها به عنوان راه‌حلی برای کمبود آب مطرح است، مشکلات حقوقی و محیط‌زیستی خاص خود را دارد. این انتقال‌ها می‌تواند موجب تهدید منابع آبی، نابرابری در توزیع منافع و هزینه‌ها و جابجایی اجباری جمعیت شود و نیازمند تنظیم دقیق حقوقی و ارزیابی‌های زیست‌محیطی است که در برخی نظام‌های حقوقی، از جمله ایران، به صورت سیستماتیک هنوز تدوین نشده است. تعارض قوانین ملی و بین‌المللی: در برخی موارد، قوانین داخلی کشورها با تعهدات بین‌المللی آن‌ها در زمینه مدیریت آب‌های مشترک تعارض دارد که این مسأله موجب پیچیدگی بیشتر در حل و فصل اختلافات می‌شود. چالش‌های ناشی از تغییرات اقلیمی و فشارهای زیست‌محیطی: در چارچوب حقوق بین‌الملل آب، حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از آسیب به منابع آب مشترک از اصول مهم است، اما تغییرات اقلیمی و افزایش فشارهای زیست‌محیطی، اجرای این اصول را دشوارتر کرده است و قوانین باید به روز و منطبق با شرایط جدید شوند.

۲) چالش‌های سیاسی

سوءظن و رقابت‌های منطقه‌ای میان دولت‌ها، به ویژه در مناطق با منابع آبی محدود، مانع

از شکل‌گیری همکاری‌های مؤثر می‌شود. برخی دولت‌ها بهره‌برداری از آب‌های مشترک را به عنوان ابزاری برای فشار سیاسی یا اقتصادی به همسایگان خود به کار می‌برند که این موضوع تنش‌ها را تشدید می‌کند. چالش‌های سیاسی در مدیریت آب‌های مشترک، یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین ابعاد این مسئله است که تأثیر عمیقی بر روابط بین‌المللی و امنیت منطقه‌ای دارد. این چالش‌ها ناشی از رقابت‌های ژئوپلیتیکی، سوءظن‌های متقابل، نابرابری قدرت میان کشورهای بالادست و پایین‌دست، و استفاده سیاسی از منابع آب به عنوان ابزاری برای فشار و نفوذ است.

۱. رقابت‌های ژئوپلیتیکی و سوءظن متقابل با افزایش تقاضا و کاهش منابع آب، بهره‌برداری از آب‌های مشترک به مسأله‌ای امنیتی تبدیل شده است. کشورهای بالادست که کنترل منابع آب را در دست دارند، گاهی از این موقعیت برای اعمال فشار سیاسی یا اقتصادی بر کشورهای پایین‌دست استفاده می‌کنند. این امر موجب افزایش بی‌اعتمادی و تنش‌های سیاسی می‌شود و همکاری‌های منطقه‌ای را دشوار می‌سازد.

۲. نابرابری قدرت و عدم توازن در بهره‌برداری تفاوت در توانمندی‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی میان کشورهای همسایه باعث می‌شود که برخی کشورها بتوانند بهره‌برداری بیشتری از منابع آب داشته باشند و دیگران به دلیل ضعف قدرت چاره‌ای جز پذیرش شرایط ناعادلانه نداشته باشند. این نابرابری، زمینه‌ساز تضاد و درگیری‌های سیاسی می‌شود.

۳. استفاده سیاسی از منابع آب آب به عنوان یک منبع حیاتی، در برخی موارد به ابزاری برای فشار سیاسی و امنیتی تبدیل شده است. به عنوان مثال، ساخت سدهای بزرگ در کشورهای بالادست بدون هماهنگی با پایین‌دست، می‌تواند جریان آب را کاهش داده و به معیشت و امنیت غذایی کشورهای پایین‌دست آسیب برساند. این اقدامات گاهی به عنوان تهدیدی علیه امنیت ملی تلقی شده و تنش‌های سیاسی را افزایش می‌دهد.

۴. تأثیر تغییرات اقلیمی و بحران‌های انسانی تغییرات اقلیمی باعث کاهش بارش و افزایش خشکسالی در مناطق حساس شده و منابع آب را محدودتر می‌کند. این وضعیت فشار بر

منابع آب مشترک را افزایش داده و باعث بروز بحران‌های انسانی، مهاجرت‌های اجباری و تنش‌های سیاسی می‌شود که مدیریت آن نیازمند همکاری سیاسی قوی است.

۵. ضعف ساختارهای حکمرانی و نهادهای منطقه‌ای عدم وجود نهادهای مشترک قوی و سازوکارهای مؤثر برای مدیریت منابع آب مشترک، موجب شده است که اختلافات سیاسی به سرعت به بحران‌های جدی تبدیل شوند. فقدان چارچوب‌های حقوقی و سیاسی منسجم، همکاری‌های منطقه‌ای را محدود و چالش‌ها را تشدید می‌کند. ۶. نمونه‌های موردی رودخانه هیرمند میان ایران و افغانستان: اختلافات ناشی از عدم اجرای توافقات آبی و سدسازی‌های یکجانبه در افغانستان باعث بروز بحران‌های سیاسی و انسانی شده است. این موضوع نمونه‌ای بارز از تأثیر چالش‌های سیاسی بر مدیریت منابع آب مشترک است. رودخانه‌های مرزی ایران با ترکیه و عراق: پروژه‌های سدسازی و کاهش جریان آب به پایین‌دست، منجر به تنش‌های سیاسی و نگرانی‌های زیست‌محیطی شده است. راهکارهای سیاسی پیشنهادی تقویت دیپلماسی آب و ایجاد کانال‌های ارتباطی مستمر میان کشورهای همسایه برای کاهش سوءتفاهم‌ها و افزایش اعتماد متقابل:

۱. تشکیل نهادهای مشترک منطقه‌ای با اختیارات اجرایی برای مدیریت منابع آب و حل اختلافات به صورت مسالمت‌آمیز

۲. ارتقای چارچوب‌های حقوقی و اجرای دقیق توافقات بین‌المللی با حمایت سازمان ملل و نهادهای منطقه‌ای

۳. توجه به تأثیرات تغییرات اقلیمی در سیاست‌گذاری‌های آبی و توسعه برنامه‌های مشترک سازگاری و مدیریت بحران.

(۳) چالش‌های زیست‌محیطی

در مدیریت آب‌های مشترک چالش‌های زیست‌محیطی یکی از پیچیده‌ترین و تأثیرگذارترین موانع در مسیر مدیریت پایدار آب‌های مشترک بین کشورها هستند. این چالش‌ها نه تنها سلامت اکوسیستم‌های آبی را تهدید می‌کنند، بلکه امنیت آبی و توسعه اقتصادی کشورهای

بهره‌بردار را نیز به مخاطره می‌اندازند؛ که عبارتند از :

۱- آلودگی منابع آبی:

منابع آلودگی متنوع و گسترده: آب‌های مشترک معمولاً در معرض آلودگی‌های ناشی از فعالیت‌های صنعتی، کشاورزی، شهری و حتی نظامی قرار دارند. ورود آلاینده‌هایی مانند فلزات سنگین، مواد شیمیایی کشاورزی (کودها و سموم)، فاضلاب‌های صنعتی و شهری، موجب کاهش کیفیت آب می‌شود. پیچیدگی مدیریت آلودگی فرامرزی: آلودگی منابع آب مشترک، ماهیتی فرامرزی دارد و کنترل آن نیازمند همکاری دقیق و هماهنگ بین کشورهاست. فقدان استانداردهای مشترک و سازوکارهای نظارتی بین‌المللی، موجب تشدید این مشکل می‌شود. اثرات زیست‌محیطی و انسانی: آلودگی آب‌ها سلامت انسان‌ها را تهدید کرده و باعث از بین رفتن تنوع زیستی، کاهش تولیدات کشاورزی و تخریب اکوسیستم‌های آبی می‌شود. به عنوان مثال، آلودگی رودخانه کارون و تالاب‌های هامون، پیامدهای جدی برای زیست‌بوم و معیشت مردم منطقه داشته است .

۲- کاهش کیفیت و کمیت منابع آب:

کاهش روان‌آب‌ها و ذخایر زیرزمینی: برداشت بیش از حد از منابع آب زیرزمینی و کاهش جریان رودخانه‌ها به دلیل فعالیت‌های انسانی و تغییرات اقلیمی، موجب کاهش کمیت آب قابل استفاده شده است. تغییرات در کیفیت آب: کاهش حجم آب باعث افزایش غلظت آلاینده‌ها و شوری آب می‌شود که این موضوع به ویژه در مناطق خشک و نیمه‌خشک اهمیت دارد. تأثیرات اقتصادی و اجتماعی: کاهش کمیت و کیفیت آب، کشاورزی، صنعت و تأمین آب شرب را با مشکل مواجه می‌کند و می‌تواند منجر به مهاجرت‌های محیطی و تنش‌های اجتماعی شود .

۳- تأثیرات تغییرات اقلیمی :

کاهش بارش و تغییر الگوهای هیدرولوژیکی: تغییرات اقلیمی باعث کاهش میزان بارش در بسیاری از مناطق و تغییر زمان و شدت بارش‌ها می‌شود. این امر منجر به کاهش روان‌آب‌ها

و افزایش خشکسالی‌های طولانی مدت می‌گردد .

افزایش تبخیر و تبخیر تعرق: افزایش دما باعث افزایش نرخ تبخیر از سطح آب‌ها و خاک می‌شود که به کاهش منابع آب سطحی و زیرزمینی منجر می‌گردد . شدت یافتن حوادث آب و هوایی شدید: سیلاب‌های ناگهانی، خشکسالی‌های شدید و نوسانات آب و هوایی، مدیریت منابع آب را پیچیده‌تر می‌کند و نیازمند سازوکارهای انعطاف‌پذیر و پیشگیرانه است .

پیامدهای فرامرزی: تغییرات اقلیمی به صورت نامتقارن بر کشورها تأثیر می‌گذارد و می‌تواند موجب تشدید اختلافات بر سر منابع آب مشترک شود .

۴- فقدان سازوکارهای پیشگیرانه و مدیریت بحران:

ضعف در هماهنگی بین‌المللی: بسیاری از کشورها فاقد چارچوب‌های قانونی و نهادی قوی برای مدیریت بحران‌های زیست‌محیطی مرتبط با آب‌های مشترک هستند. این امر موجب می‌شود که در مواجهه با خشکسالی، آلودگی یا سیلاب، پاسخ‌های ناکافی یا متضاد ارائه شود .

عدم وجود سیستم‌های هشدار و پایش مشترک: نبود سامانه‌های پایش و هشداردهی مشترک برای تغییرات کیفیت و کمیت آب، مدیریت بحران را دشوار می‌سازد . نیاز به رویکردهای پیشگیرانه: جایگزینی رویکردهای واکنشی با سیاست‌های پیشگیرانه و مدیریت ریسک، از جمله ضرورت‌های اساسی در این حوزه است .

بخش سوم: اهمیت تحلیل چالش‌های زیست‌محیطی

در حوزه آب‌های مشترک، نه تنها مسئله‌ای فنی و مدیریتی بلکه یک مسأله حقوقی و سیاسی است که نیازمند همکاری‌های بین‌المللی، تدوین استانداردهای مشترک و ایجاد سازوکارهای مؤثر حل اختلاف است. بدون توجه جدی به این چالش‌ها، خطرات زیست‌محیطی می‌تواند به بحران‌های انسانی، اقتصادی و امنیتی تبدیل شود. بنابراین، توسعه سیاست‌های جامع، تقویت دیپلماسی محیط‌زیستی و سرمایه‌گذاری در فناوری‌های

پایش و تصفیه آب از اولویت‌های حیاتی برای دولت‌های عضو سازمان ملل در مدیریت آب‌های مشترک است.

بخش چهارم: چالش‌های مدیریتی

چالش‌های مدیریتی در حوزه آب‌های مشترک

چالش‌های مدیریتی یکی از مهم‌ترین موانع در مسیر بهره‌برداری بهینه و پایدار از منابع آب‌های مشترک بین کشورها به شمار می‌روند. این چالش‌ها نه تنها فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌ها را پیچیده می‌کنند، بلکه می‌توانند به تشدید تنش‌ها و کاهش اعتماد بین دولت‌ها منجر شوند.

۱- نبود نهادهای مشترک قوی با اختیارات اجرایی و نظارتی:

ضعف ساختارهای نهادی: بسیاری از مناطق دارای آب‌های مشترک فاقد نهادهای فراملی با اختیارات کافی برای اتخاذ تصمیمات اجرایی و نظارتی هستند. این ضعف موجب می‌شود که حتی در صورت توافقات اولیه، اجرای سیاست‌ها و نظارت بر رعایت آن‌ها با مشکل مواجه شود. عدم توانمندی در مدیریت بحران: نبود نهادهای قوی باعث می‌شود واکنش به بحران‌هایی مانند خشکسالی، آلودگی یا سیلاب به صورت پراکنده و غیرهماهنگ انجام شود، که این امر تأثیرات منفی بر منابع و جوامع بهره‌بردار دارد. نمونه‌های موفق:

در مقابل، نهادهایی مانند «کمسیون رودخانه دانوب» که دارای اختیارات اجرایی و نظارتی هستند، نمونه موافقی از مدیریت مشترک منابع آب محسوب می‌شوند.

۲- ضعف در تبادل اطلاعات و شفافیت:

کمبود داده‌های مشترک و به‌روز: مدیریت مؤثر منابع آب مشترک نیازمند دسترسی به داده‌های دقیق، به‌روز و قابل اعتماد است. ضعف در تبادل اطلاعات بین کشورها باعث می‌شود تصمیم‌گیری‌ها بر اساس داده‌های ناقص یا قدیمی انجام شود.

عدم شفافیت و اعتمادسازی: نبود شفافیت در انتشار اطلاعات مربوط به برداشت‌ها، کیفیت آب و تغییرات منابع، موجب کاهش اعتماد بین طرفین و افزایش احتمال بروز اختلافات

می‌شود .

اهمیت فناوری‌های نوین: استفاده از فناوری‌های نوین مانند سامانه‌های پایش آنلاین و داده‌های ماهواره‌ای می‌تواند به بهبود تبادل اطلاعات و افزایش شفافیت کمک کند .

۳- عدم وجود سازوکارهای حل اختلاف مسالمت‌آمیز:

خطر تشدید تنش‌ها: نبود سازوکارهای رسمی و پذیرفته شده برای حل اختلافات، موجب می‌شود که اختلافات کوچک به بحران‌های بزرگ تبدیل شوند و حتی به درگیری‌های سیاسی یا نظامی منجر شوند .

ضرورت ایجاد نهادهای داوری و میانجیگری: ایجاد نهادهای مستقل برای میانجیگری و داوری در اختلافات آبی، می‌تواند به کاهش تنش‌ها و حفظ همکاری بین کشورها کمک کند .

نمونه‌های بین‌المللی: کنوانسیون سازمان ملل ۱۹۹۷ و برخی معاهدات منطقه‌ای، چارچوب‌هایی برای حل اختلافات ارائه داده‌اند که می‌توان از آن‌ها الگو گرفت .

۴- پراکندگی قوانین و توافقات دو یا چندجانبه بدون هماهنگی کافی:

چالش هماهنگی حقوقی: وجود قوانین و توافقات متعدد و گاه متعارض بین کشورهای مختلف، مدیریت جامع و یکپارچه منابع آب را دشوار می‌کند. این پراکندگی می‌تواند منجر به سوءتفاهم، تداخل در اجرای سیاست‌ها و کاهش اثربخشی مدیریت شود .

نیاز به چارچوب‌های قانونی جامع و هماهنگ: تدوین و اجرای چارچوب‌های حقوقی منطقه‌ای یا فراملی که بتواند همه طرف‌ها را تحت پوشش قرار دهد، از ضروریات مدیریت موفق آب‌های مشترک است .

اهمیت همکاری چندجانبه: همکاری‌های چندجانبه و ایجاد توافقات فراگیر، زمینه را برای مدیریت یکپارچه و پایدار فراهم می‌کند .

بخش پنجم: راهکارها

چالش‌های مدیریتی در حوزه آب‌های مشترک، نیازمند رویکردی جامع، مبتنی بر همکاری،

شفافیت و تقویت نهادهای فراملی است. ایجاد نهادهای مشترک با اختیارات اجرایی، توسعه سامانه‌های تبادل اطلاعات و پایش، تدوین سازوکارهای حل اختلاف مسالمت‌آمیز و هماهنگی قوانین و توافقات، از جمله گام‌های کلیدی برای غلبه بر این چالش‌ها به شمار می‌روند. بدون مدیریت مؤثر، حتی بهترین منابع آبی نیز نمی‌توانند به توسعه پایدار و امنیت آبی منجر شوند.

راهکارها و پیشنهادات برای مدیریت پایدار آب‌های مشترک:

با توجه به چالش‌های متعدد حقوقی، زیست‌محیطی، سیاسی و مدیریتی که در حوزه آب‌های مشترک مطرح شد، راهکارهای ارائه شده نقش کلیدی در بهبود وضعیت و پیشبرد همکاری‌های پایدار دارند.

۱- تقویت همکاری‌های چندجانبه و تبادل اطلاعات اهمیت همکاری چندجانبه:

همکاری‌های چندجانبه، بستر لازم برای هماهنگی سیاست‌ها، تبادل تجربیات و حل مشکلات مشترک را فراهم می‌کند. این همکاری‌ها باید فراتر از توافقات دوجانبه باشد و شامل تمامی ذینفعان در حوضه آبریز گردد.

تبادل اطلاعات دقیق و به‌موقع: ایجاد سامانه‌های مشترک پایش و گزارش‌دهی داده‌های هیدرولوژیکی، کیفیت آب و میزان برداشت‌ها، از مهم‌ترین ابزارهای کاهش سوءتفاهم و افزایش اعتماد است.

فناوری‌های نوین: استفاده از فناوری‌های ماهواره‌ای، سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی (GIS) و پایش آنلاین می‌تواند تبادل اطلاعات را تسهیل و به روز کند.

۲- ایجاد نهادهای مشترک مدیریت حوضه‌های آبریز:

نهادهای با اختیارات اجرایی و نظارتی: تشکیل نهادهای فراملی که بتوانند تصمیمات اجرایی بگیرند و بر اجرای توافقات نظارت کنند، برای مدیریت جامع و یکپارچه منابع آب حیاتی است.

تقویت پاسخگویی و هماهنگی: این نهادها می‌توانند نقش هماهنگ‌کننده بین دولت‌ها و

سایر ذینفعان را ایفا کنند و در مواقع بحران، واکنش سریع و هماهنگ ارائه دهند .
نمونه‌های موفق: کمیسیون رودخانه دانوب و کمیسیون رودخانه نیل نمونه‌هایی از نهادهای موفق هستند که می‌توان از تجربیات آن‌ها بهره برد.

۳- استفاده از سازوکارهای حل اختلاف سازمان ملل:
میانجیگری و داوری: استفاده از سازوکارهای رسمی میانجیگری و داوری سازمان ملل، می‌تواند اختلافات را به صورت مسالمت‌آمیز و قانونی حل کند و از بروز درگیری‌های سیاسی و نظامی جلوگیری نماید .

کمیسیون‌های حقیقت‌یابی: این کمیسیون‌ها می‌توانند به بررسی دقیق مسائل و ارائه گزارش‌های بی‌طرفانه کمک کنند که زمینه‌ساز اعتمادسازی بین طرفین است .
ترویج فرهنگ حل اختلاف مسالمت‌آمیز: آموزش و ترویج این فرهنگ در میان دولت‌ها و نهادهای ذیربط، از اهمیت بالایی برخوردار است .

۴- توجه ویژه به نیازهای حیاتی انسانی:
حقوق بشر و امنیت غذایی: در سیاست‌گذاری‌ها باید اولویت با تأمین نیازهای اساسی انسان‌ها مانند آب شرب، بهداشت و کشاورزی باشد تا از تضاد منافع جلوگیری شود .
حفاظت از جوامع آسیب‌پذیر: توجه به جوامع محلی و آسیب‌پذیر در مناطق حوضه آبریز، تضمین‌کننده عدالت اجتماعی و پایداری توسعه است .

مکانیزم‌های حمایتی: ایجاد سازوکارهایی برای تضمین دسترسی عادلانه به آب و حمایت از حقوق انسانی، باید در دستور کار نهادهای مدیریت آب قرار گیرد.

۵- توسعه دیپلماسی آب:
دیپلماسی به عنوان ابزار کاهش تنش: دیپلماسی آب می‌تواند به عنوان ابزاری کلیدی برای پیشگیری از درگیری‌ها، افزایش همکاری‌ها و ایجاد اعتماد میان کشورها عمل کند .
گنجاندن دیپلماسی آب در سیاست‌های کلان: سازمان ملل و دولت‌ها باید دیپلماسی آب را در اولویت‌های سیاست خارجی و امنیتی خود قرار دهند و از آن حمایت کنند .

آموزش و ظرفیت‌سازی: تقویت ظرفیت‌های دیپلماتیک و فنی در زمینه مدیریت منابع آب، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۶- تقویت چارچوب‌های حقوقی و تضمین اجرای معاهدات:

رفع ابهامات حقوقی: تدوین و به‌روزرسانی قوانین و معاهدات بین‌المللی با شفافیت و دقت بالا، از بروز اختلافات ناشی از تفسیرهای متفاوت جلوگیری می‌کند.

تضمین اجرای معاهدات: حمایت سازمان ملل و نهادهای منطقه‌ای در نظارت بر اجرای تعهدات و اعمال فشارهای دیپلماتیک یا حقوقی در صورت تخلف، کلید موفقیت مدیریت پایدار است.

تشویق توافقات فراگیر و جامع: ایجاد معاهدات منطقه‌ای یا فراملی که همه ذینفعان را پوشش دهد، می‌تواند هماهنگی و عدالت در بهره‌برداری از منابع را افزایش دهد.

جمع‌بندی نهایی:

راهکارهای پیشنهادی اگر به صورت هماهنگ و جامع اجرا شوند، می‌توانند به شکل قابل توجهی چالش‌های حقوقی، مدیریتی و زیست‌محیطی آب‌های مشترک را کاهش دهند و زمینه‌ساز توسعه پایدار، امنیت آبی و همکاری‌های بین‌المللی مؤثر شوند. این مسیر نیازمند اراده سیاسی قوی، ظرفیت‌سازی نهادی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین است. همچنین، نقش سازمان ملل متحد و سایر نهادهای بین‌المللی در تسهیل همکاری، نظارت و حل اختلافات، نقشی بی‌بدیل خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

مدیریت آب‌های مشترک یکی از پیچیده‌ترین و چندبعدی‌ترین مسائل بین‌المللی است که ترکیبی از چالش‌های حقوقی، سیاسی و زیست‌محیطی را در بر می‌گیرد. این منابع حیاتی، به دلیل ماهیت فرامرزی خود، نیازمند رویکردی جامع و هماهنگ بین دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی هستند. کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل متحد، چارچوبی قانونی و اصولی مناسب برای مدیریت این منابع ارائه داده است، اما اجرای مؤثر آن همچنان با موانع نهادی، سیاسی

و فنی جدی مواجه است .

همکاری مستمر میان دولت‌ها، تقویت دیپلماسی آب به عنوان ابزاری کلیدی برای کاهش تنش‌ها و افزایش اعتماد، ایجاد نهادهای مشترک با اختیارات اجرایی و نظارتی، و توجه ویژه به تأثیرات تغییرات اقلیمی، از جمله راهکارهای اساسی برای مدیریت پایدار و عادلانه آب‌های مشترک محسوب می‌شوند. این رویکردهای چندجانبه نه تنها به حفظ و بهره‌برداری بهینه از منابع آبی کمک می‌کنند، بلکه نقش مهمی در ارتقای صلح، امنیت و توسعه پایدار در سطح منطقه‌ای و جهانی ایفا می‌نمایند .

علاوه بر این، سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین پایش و تصفیه آب، ظرفیت‌سازی نهادی و آموزش دیپلمات‌ها و مدیران منابع آب، از ضرورت‌های کلیدی برای بهبود مدیریت منابع آب‌های مشترک است. این اقدامات می‌توانند به افزایش شفافیت، بهبود تبادل اطلاعات و تسهیل تصمیم‌گیری‌های مشترک کمک کنند .

پژوهش‌های آینده می‌توانند به بررسی راهکارهای نوآورانه و مدل‌های موفق همکاری در مناطق مختلف جهان بپردازند تا تجربیات موفق به دیگر مناطق نیز منتقل شود و چارچوب‌های حقوقی و مدیریتی موجود بهبود یابند. در نهایت، مدیریت پایدار آب‌های مشترک نه تنها به حفظ منابع آبی کمک می‌کند، بلکه به صلح و توسعه پایدار جهانی نیز یاری می‌رساند و مسئولیتی جمعی برای تمامی کشورهای بهره‌بردار است.

منابع و مآخذ

- رودباری، علی. (۱۳۹۹). تحولات حقوق بین الملل آب در عصر حاضر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. سازمان ملل متحد. (۱۹۹۷). کنوانسیون حقوق بهره‌برداری‌های غیرکشتریانی از آبراهه‌های بین‌المللی. UN-Water. ۲۰۲۰.
- یونسکو. (۲۰۲۲). گزارش. Water Cooperation: Facts and Figures.
- Gleick, P.H. (۱۹۹۳). Water and Conflict: Fresh Water Resources and International Security. International Security Journal. باری‌پور، محمد و همکاران. (۱۴۰۱). روش‌شناسی سیاست‌گذاری آب در رودخانه‌های فرامرزی. تهران: مرکز مطالعات بین‌المللی
- ذکی، یاشار؛ بدیعی ازندهی، مرجان؛ اسلام جمال گلزاری، امید. «الگویابی بنیان‌های هیدروپلیتیک همگرایی و واگرایی بین ایران، افغانستان و ترکمنستان در حوضه‌های آبریز مرزهای شرقی» مجله روابط خارجی، شماره ۵۴، تابستان ۱۴۰۱. (بررسی چالش‌های هیدروپلیتیک و همکاری‌های منطقه‌ای در حوضه‌های آبریز مشترک ایران و همسایگان)
- زمانی، سید قاسم؛ برلیان، پویا. «اصل همکاری در زمینه بهره‌برداری از آبراهه‌های بین‌المللی با تأکید بر آبراهه‌های ایران و عراق». مجله پژوهش حقوق عمومی، شماره ۷۵، تابستان ۱۴۰۱. (مطالعه چارچوب‌های حقوقی و اصول همکاری بین‌المللی در بهره‌برداری از منابع آبی مشترک)
- مقاله «چالش‌های ژئوپلیتیک منابع آب‌های زیرزمینی بین‌المللی با تأکید بر ایران» پژوهشی تحلیلی درباره حکمرانی و چالش‌های بهره‌برداری از آبخوان‌های مشترک ایران و کشورهای همسایه، با تأکید بر امنیت انسانی و همکاری منطقه‌ای. منتشر شده در سایت پژوهشی انسانی (ensani.ir) ۲۴
- انجمن بین‌المللی آب (IWA)

- مبانی و اصول انجمن بین‌المللی آب برای شهرهای آب محور. «گزارش و چارچوب‌های مدیریت پایدار منابع آب شهری و همکاری‌های بین‌المللی
- مقاله «چالش‌های حکمرانی مشارکتی رودخانه‌های فرامرزی و منابع آب بین‌المللی» بررسی چالش‌های حکمرانی، مدیریت و بهره‌برداری مشترک از رودخانه‌های فرامرزی در سطح جهانی. منتشر شده در سایت Civilica
- کنفرانس بین‌المللی مدیریت یکپارچه منابع آب محورهای مرتبط با سازه‌های آبی، تغییرات اقلیمی و بهره‌وری آب برای توسعه پایدار. دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، ۱۳۹۹ ۶ تحقیقات منابع آب ایران پژوهش‌های مرتبط با مدیریت یکپارچه منابع آب و امنیت آبی کشور ایران.